

رواج پر خطر «خبر کلامی»

نوشته علی اکبر قاضی زاده

خبرهای کلامی^۱ خبرهایی هستند که از گفته‌های چهره‌های خبرساز منشأ می‌گیرند، نه از رویدادها یا تحولات در رویدادها. در این دسته از خبرها پیامی که مربوط به وقوع رویدادی باشد، نمی‌توان یافت. هر چه هست نقل گفته‌هاست. به همین سبب بسیاری از صاحب‌نظران این خبرها را «شبه‌خبر» نام داده‌اند.

این صاحب‌نظران استدلال می‌کنند که چون در متن این خبرها «حتی به ارزش جدا شدن برگی از درخت»^۲ رویداد و یا تحولاتی اتفاق نمی‌افتد، نمی‌توان این نقل‌ها را خبر نام نهاد. یکی از استدلال‌های رایج در این تلقی شاید به مضمون تعریف‌های خبر باز گردد^۳ که در این تعریف‌ها خبر بیان، بازگویی یا نقل رویدادها اعلام شده است؛ نه بیان و بازگویی یا نقل گفته‌ها. مثلاً به این تعریف‌ها توجه کنید:

■ خبر نقل ساده و خالص و قایع جاری است که مورد توجه عامه قرار گیرد (ریک سی. هوپ - روزنامه‌نگار آمریکایی).

■ خبر نقل ساده و خالص و قایع جاری است. (روزه کروس - استاد مرکز مطالعات فنون انتشارات جمعی)

■ اطلاعات مربوط به آنچه رخ داده، خبر نامیده می‌شود.

■ خبر گزارش واقعیت‌ها (رویدادهای واقعی) است، اما هر واقعیتی را خبر نمی‌توان

■ خبر باید فوری و پس از حادثه به جریان افتد، برای عموم جالب باشد، حاوی اطلاعات تازه باشد، خنثی نباشد و ادراکات فرهنگی جامعه خاص خود را منعکس کند (کمسیون بین‌المللی مسایل ارتباطات - مک براید).

■ خبر گزارشی بی طرفانه، دقیق و در عین حال صحیح و عینی از یک رویداد مفروض است (یونس شکرخواه، کتاب خبر)

■ خبر عبارت است از بیان حقیقی، عینی و بی طرف حوادث و وقایع روزمره که از لحاظ اجتماعی مفید معنایی باشد و به صورت گسترده در اختیار همگان قرار گیرد (روزه کلوس - نقل روانشاد دکتر حمید نطفی)

■ خبر گزارشی عینی از واقعیت‌هاست که دارای یک یا چند ارزش خبری بود، و احتمالاً تحت تأثیر عوامل درون گروهی و برون گروهی شکل گرفته است (دکتر نعیم بدیعی - نقل دکتر مهدی محسنیان‌راد)

بنابراین در همه این تعریف‌ها به روشنی یا به کنایه شرط اصلی برای خبر، وقوع یک رویداد یا بروز تحول در یک جریان خبری است.^۵

آیا می‌توان ادعا کرد که همه خبرهای ساخته شده از گفته‌های دیگران، خالی از جاذبه و ارزش است؟ به یقین چنین نیست. گفته‌های برخی سیاستمداران ارشد، ورزشکاران، دانشمندان یا هنرمندان قابلیت و ظرفیت جلب توجه مخاطبان را داراست. از افشاگری‌ها، تهدیدها، توضیح‌ها و حتی برخی پاسخ‌ها خبرهای جالبی می‌توان تولید کرد. اما این که چنین خبرهایی تنها یا اصلی‌ترین مضمون خبرها در جامعه‌ای باشند قابل تأمل و حتی نگران‌کننده باید تلقی شود.

سبک‌ها و شیوه‌های روزنامه‌نگاری در دو قرن اخیر همه با این هدف پیشنهاد و تجربه شده‌اند که کار آگاهی از رویدادها و سپس کار انتقال آن آگاهی‌ها به مخاطب روان‌تر و سریع‌تر صورت گیرد. اگر قرار بود بین ۷۰ تا ۹۰ درصد خبرها گفتاری و نقلی باشند هرگز به این کوشش‌ها نیازی نبود.

تقسیم‌بندی رندال

تقسیم می‌کند و سپس ویژگی هر دسته را توضیح می‌دهد. من سعی می‌کنم این تقسیم‌بندی را به یاری خبرهای چاپ شده در شماره روز ۱۲ اردیبهشت ۸۴ روزنامه ایران، توضیح دهم.^۷ نخست ویژگی‌های این مقایسه را روشن کنیم:

- خبرها فقط از صفحه‌های دوم، سوم، بیست و سوم و بیست و چهارم گزینش شده است.^۸

- خبرهای کوتاه ستونی را در نظر نگرفته‌ام؛ نیز یادداشت‌ها و مقاله‌ها را.

- سعی شده است، نقل‌ها درست همان باشد که در شماره یاد شده، آمده است.

رنالد می‌نویسد که من وقتی سردبیر بودم همه خبرهایی را که باید بررسی می‌کردم و در مورد آنها تصمیم می‌گرفتم، در چهار دسته تقسیم می‌کردم:

نخست: خبرهای کلامی که رویدادی را خبر نمی‌دهند و فقط جنبه نظری، توضیحی و اطلاعاتی دارند. منبع این خبرها معمولاً دارای ارزش شهرت است. جذابیت این خبرها - اگر جاذبه‌ای داشته باشند - در حرف و سخن تازه‌ای است که مطرح می‌شود.

● **نمونه اول:** هاشمی رفسنجانی در دیدار با عده‌ای از کارشناسان رسانه‌ای و فعالان سیاسی مهم‌ترین رئوس برنامه‌های خود را در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی اعلام کرد.

[از جمله چهارم] هاشمی تصریح کرد: معتقد بودم در زمان خودمان کارها را باید به جوانترها بسپاریم. اما وضع کنونی و تهدیدهای خارجی و داخلی خطیر است. (صفحه سوم با تیترو رفسنجانی رئوس برنامه‌های خود را اعلام کرد).

● **نمونه دوم:** یک استاد دانشگاه در ایتالیا فرضیه جدیدی را برای نیمه کاره بودن تابلوی مونا لیزا ارائه داده است و آن نیمه فلج بودن نیمه راست بدن داوینچی در زمان خلق این اثر بوده است.

[از پاراگراف سوم] به گفته «وزوسی» نیمه فلج بودن نیمه راست بدن داوینچی تأثیری بر توانایی او در کشیدن نقاشی نداشته چون داوینچی به هر حال چپ دست بوده است (صفحه آخر - با تیترو: فرضیه جدید درباره تابلوی مونا لیزا).

به کسی زبانی نمی‌رساند).

دوم: خبرهای کلامی که رویدادی را خبر نمی‌دهند، بلکه پاسخی، واکنشی یا توضیحی بر خبرهای پیش‌تر انتشار یافته به‌شمار می‌آیند. این خبرها به‌طور معمول در دسته خبرهای معروف به «جنگ لفظی» طبقه‌بندی می‌شوند و جاذبیت آنها در تقابل نظرها و تعامل فکرها (نه عمل‌ها) است.

این خبرها به‌طور معمول با فعل‌ها و عبارت‌های: گفت، اظهار داشت، توضیح داد، افشا کرد و... نوشته می‌شوند.

● نمونه اول: مجید انصاری [...] سخنان اخیر شهردار تهران را از یک جهت مایه خوشبختی و از جهت دیگر مایه تأسف دانست.

[از جمله دوم] وی [...] گفت: یک کاندیدای اصولگرا گفتار و ادب سیاسی خود را در یک فضای طبیعی رو کرد. در صورتی که بعضی از کاندیداهای اصولگرا این روزها قبل از این‌که با مردم مواجه شوند، به نحوی با آنها حرف می‌زنند که گویی یک ماسک بر اندیشه‌ها و فرهنگ واقعی گفتمان خود قرار داده‌اند. (صفحه سوم، با تیتراژ گفتار و ادب سیاسی شهردار شگفت‌زده شدم)

● نمونه دوم: محمد عطریانفر عضو شورای مرکزی کارگزاران سازندگی مطالب برخی از نشریات در مورد اخراج عطاءالله مهاجرانی از این حزب را تکذیب کرد.

[از جمله سوم] برخی از نشریات نزدیک به اصولگرایان در شماره امروز خود (منظور روز مخابره یعنی «اردیبهشت ماه است») [...] نوشتند که شورای مرکزی حزب کارگزاران در جلسه روز پنجشنبه خود به دلیل حمایت مهاجرانی از نامزدی مصطفی معین [...] او را از شورای مرکزی حزب اخراج کرده است.

[از جمله دوم] وی دیروز به ایرنا گفت: شورای مرکزی کارگزاران اساساً مدتی است تشکیل جلسه نداده است (صفحه سوم، تیتراژ: «عطریانفر»: اخراج «مهاجرانی» صحت ندارد). افعال و عبارت‌های: پاسخ داد، روشن کرد، واکنش نشان داد، تکذیب کرد، نادرست دانست، تأیید کرد، تأکید کرد و... در این دسته خبرها دیده می‌شوند.

می آورند. اما در صورتی که پاسخ کلی باشد پیشینه به پاراگراف آخر انتقال می یابد. در خبرگزاری و مطبوعات ما کارکرد پیشینه هنوز چندان لازم ارزیابی نشده است.

سوم: خبرهای کلامی که از وقوع رویدادی در گذشته یا آنچه روی خواهد داد خبر می دهند. این خبرها به گروه خبرهای واقعی (رویدادی) نزدیک تر هستند. خبرهای «وعده‌ای» در همین گروه جای می گیرند. این خبرها همیشه از قول مسئولان، مجریان و مقام‌ها ساخته و نقل می شوند و همیشه رنگ و بوی رسمیت دارند.

● وزیر کشور... گفت: مسئولان و شورای تأمین استان [سیستان و بلوچستان]، با پیگیری موضوع، در صدد پایان دادن به برخی جنایات و خودسری‌های اشرار در این استان هستند.

[پاراگراف چهارم] موسوی لاری وجود اشرار بدون تابعیت جمهوری اسلامی در استان سیستان و بلوچستان را یکی از معضلات و مشکلات این استان عنوان کرد و افزود: تعدادی اشرار برای کسب هویت ایرانی در صدد آن هستند که از اوراق هویتی و سجلی تابعیت ایران برخوردار شوند. (صفحه دوم - با تیترو: وزیر کشور: به خودسری اشرار در سیستان و بلوچستان پایان می دهیم).

در پاراگراف دوم خبر، پیشینه موضوع (شهادت حسینعلی ارجمندی معاون ثبت احوال سیستان و بلوچستان) آمده است.

نمونه دوم: رئیس ستاد بزرگداشت مراسم شانزدهمین سالگرد ارتحال امام (ره) با حضور در استانداری تهران در جمع معاونین، مشاورین، مدیران، فرمانداران شهرستان‌های استان تهران، برنامه‌های این ستاد برای برگزاری هر چه باشکوه‌تر مراسم سالگرد ارتحال امام (ره) را تشریح کرد.

[از جمله آخر] وی... افزود: از آنجایی که ریاست جمهوری در این مراسم در محضر امام (ره) و مردم گزارش عملکرد دولت خویش را خواهند داشت مراسم باید پرشکوه‌تر از همیشه برگزار شود (صفحه سوم - با تیترو: ارائه گزارش عملکرد دولت در پیشگاه امام (ره))

بهداشت، تمدید و یا تجدید آیین نامه مسکن ساخت و زیان آور به رودی از ستوی وزارت رفاه تقدیم هیأت دولت می شود.

[پاراگراف پنجم]: مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی با اشاره به افزایش ۱۶/۴ درصدی مستمری بازنشستگان این سازمان در سال جدید علی رغم رشد ۱۵ درصدی تورم، گفت: با طرح افزایش مستمری بازنشستگان تأمین اجتماعی در هیأت دولت، بحث شکاف بین مستمری بازنشستگان کشوری و تأمین اجتماعی عنوان شد، ولی با این استدلال که رشد ۱۲ درصدی منطقی نداشته، سازمان بازنشستگی کشوری نیز نسبت به اعمال این افزایش برای بازنشستگان راغب شده است (صفحه ۲۱. با تیتراژ: تمدید یا تجدید آیین نامه مشاغل سخت و زیان آور به زودی به دولت می رود.^{۱۳} به نقل از مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی).

اولاً غیر از پاراگراف اول، در این خبر ۶ پاراگرافی از موضوع آیین نامه بیمه مشاغل سخت و زیان آور ذکر نمی شود. دوم این که پاراگراف پنج نقل شده می توانست (و باید) روان تر تنظیم می شد.

این دسته خبرها به طور معمول با فعل و ترکیب های: اعلام کرد، وعده داد، تشریح کرد، توضیح داد، بیان داشت و... شکل می گیرند. چنان که توضیح داده شد در این خبرها هم، از قوع یک رویداد (که اتفاق افتاده باشد) نمی توان نشانی یافت. بلکه پیام این خبرها یا قوع رویدادی است که گویا بدون حضور خبرنگاران اتفاق افتاده یا قرار است در آینده اتفاق بیفتد.

چهارم: گروه خبر از رویدادهای واقعی. اکثر تعریف های خبر، مشخصه های این گروه خبرها را در برمی گیرد: آگاهی رسانه ای از واقعه ای که رخ داده است. حتی برخی عقیده دارند: «آنچه در مورد ارزش ها خبری و عوامل گرایش و توجه عمومی نسبت به خبر می شود، با خبرهای رویدادی [نه کلامی] ربط دارد».^{۱۴}

● نمونه اول: نظامیان رژیم صهیونیستی دیروز به شهرک «علار» نزدیک «طولکرم» در شمال کرانه باختری رود اردن یورش بردند.

[پاراگراف چهارم] آنها به بهانه این که «علار» منطقه نظامی است از خروج ساکنان این شهرک برای مراجعه به محل کارهایشان جلوگیری کردند. (صفحه دوم. با تیتراژ: یورش نظامیان صهیونیست به دو شهرک کرانه باختری رود اردن)

دیروز در بیانیه انصرافش تأکید کرد که: برای تقویت همبستگی بین نامزدان اصولگرا از داوطلبی در انتخابات [...] کناره گیری کرده است.

[پاراگراف دوم]: توکلی اکنون نخستین نامزد از بین شش نامزد اصولگراست که تکلیف خود را با انتخابات ریاست جمهوری مشخص کرده است (صفحه دوم - با تیترا: نخستین انصراف در اردوی انتخاباتی اصولگرایان).

● نمونه سوم: هنرمندان محلی عراقی دیوارهای بتونی ایستگاه‌های بازرسی را در عراق، رنگ آمیزی کردند تا چهره زشت آنها را از بین ببرند.

[از پاراگراف سوم] این هنرمندان همچنین کودکان محلی را ترغیب کردند که هر جا حصار می‌بینند، با قلم موبر روی آنها نقاشی بکشند. همچنین برخی از سفارت‌ها و دفاتر رسانه‌ها از جمله فرانسه [۹] به این هنرمندان اجازه داده‌اند تا بلوک‌های نزدیک ساختمان‌هایشان را نقاشی کنند (صفحه آخر - با تیترا: رنگ بر ننگ اشغال)

نسبت بالای خبرهای گروه چهارم در یک روزنامه نسبت به سه گروه دیگر، در عین حال نشانگر فعال و پویا بودن تحریریه روزنامه‌ها می‌تواند شمرده شود. تهیه همین دسته خبرها به آگاهی مخاطبان می‌افزاید؛ نه خبرهای سه گروه دیگر. پیام همین خبرهاست که «کسی، در جایی سعی در پنهان کردن آن دارد.»^{۱۵}

از میان ۴۸ خبر چاپ شده در شماره یاد شده روزنام ایران، به زحمت می‌توان ۹ مورد خبر واقعی (مربوط به رویدادها) یافت به این شرح:

- دعوت جمعی از دانشجویان از مهندس موسوی برای شرکت در انتخابات،
- یورش نظامیان صهیونیست به ۲ شهرک در کرانه باختری رود اردن،
- شرکت آقای معین در اجتماع دانشجویان،
- بازدید معاون اول رئیس جمهوری از بیمارستان فارابی،
- خرید سهام و اوراق مشارکت از محل سپرده‌های مردمی، مشمول مالیات شد،
- تجلیل رئیس جمهوری از کیومرث صابری،
- پایان جشنواره فیلم تریکا،

دو مورد از این خبرها، خارجی است و از قضا در همان دو خبر، پیام رویدادهای واقعی وجود دارد. می‌توان پذیرف که در کشور پهناور ما با حدود ۷۰ میلیون جمعیت در فاصله میان ساعت ۲۱ روز شنبه ۱۰ اردیبهشت (ساعت آماده شدن صفحه‌های روزنامه یکشنبه) تا ساعت ۲۱ روز یکشنبه (زمان تدارک روزنامه دوشنبه) هیچ رویدادی اتفاق نیفتاده باشد؟" مسلماً چنین نیست. بعد توضیح می‌دهم که موانعی چون ملاحظه‌های مربوط به مصلحت، بسته بودن منافذ خبر و خبرگیری، و فور خبرهای کلامی و گفتاری آماده در انبوه سایت‌های خبری و... از موانع راه‌یابی خبرهای رویدادی در صفحه‌ها روزنامه هستند.

دیوید رندال که تقسیم‌بندی بالا را توضیح می‌دهد، در پایان می‌نویسد که از نظر من اهمیت این خبرها به ترتیب عکس است. به این معنا که من هر وقت می‌خواستم برای صفحه‌های روزنامه خبر گزینش کنم. اول خبرهای گروه چهار را می‌پذیرفتم، اگر نبود به سراغ گروه سوم می‌رفتم و به همین ترتیب. اما به نفع مخاطبان روزنامه، سعی می‌کردم هرگز خبرهای گروه اول را امضا نکنم.

رواج خبر کلامی

خبر کلامی دارد مبدل به رایج‌ترین شیوه خبررسانی در جامعه رسانه‌ای می‌شود. به حدی که رفته رفته گویی بقیه انواع خبرها که باید شیوه‌های اصلی‌تر و رایج‌تر باشند، جا را برای این دسته خبرها خالی می‌کنند. نتیجه آن که در روزنامه‌های ما کمتر خبری را از رویدادها و وقایع می‌توان یافت. به جای این خبرهای واقعی - چنان که آمد - صفحه‌های خبری روزنامه‌ها را خبرهای کلامی تسخیر کرده است.

روشن است که خبرهای نقلی و کلامی یکی از انواع خبر در رسانه‌ها باید در نظر گرفت. نگرانی این است که اکنون خبر از وقوع هیچ رویدادی - چه کوچک و چه بزرگ - غیر از آن که مسؤولی، رئیس، وزیر، مدیرکلی یا یک عضو روابط عمومی‌ها، امکان ورود به صفحه‌های روزنامه را ندارد. در واقع خطر در این است که پویایی، جست‌وجوگری و کشف حرفه‌ای، جای خود را به خبرهای رسمی داده است.

خبر کلامی چیست؟

امکان تسلسل می‌یابد. به این معنا که در مجموعه بیسیر مسیر میان خبرسازان، به سیرنگار به رسانه و به مردم، ایستگاه خبرنگار حذف می‌شود. به این ترتیب نقش و کارکرد خبرنگاران و مهارت‌های حرفه‌ای آنان به تدریج رنگ می‌بازد و خبرهای رسمی و بدون خطر - و در نتیجه بدون جاذبه - رواج می‌یابد.

چنان‌که خواهد آمد سایت‌های خبری پر تعداد که هر یک از سوی یک جریان سیاسی یا سازمان دولتی تأمین مالی و حمایت می‌شوند، در گسترش این شیوه نقش دارند. کارکنان این سایت‌ها اغلب خبرهای خود را از طریق تماس‌های تلفنی با اشخاص شکل می‌دهند و تردید نباید کرد که گزینش مصاحبه‌شونده و نوع پرسش‌ها و پاسخ‌ها با جهان بینی آن سایت‌ها ربط مستقیم دارند.

نمونه خبر کلامی:

شیوه رایج در تنظیم خبرهای کلامی تا حدود یک سال پیش در همه سایت‌ها و خبرگزاری‌های تازه تأسیس کلیشه‌ای ثابت داشت. در این شیوه نخست جمله‌ای از مصاحبه‌شونده به عنوان لید خبر نوشته می‌شود. آن‌گاه جمله دوم که ناچار باید مشخصه‌های عناصر خبر در آن ذکر شود، بسیار طولانی‌تر از جمله لید، نوشته می‌شد. مثل این نمونه:

لید: شایع‌ترین علت درد بزرگسالان ایرانی درد ستون فقرات است.

جمله دوم: به گزارش سرویس «بهداشت و درمان» ایسنا - واحد علوم پزشکی ایران - دکتر مجید کاوه دبیر اجرایی انجمن همایش بین‌المللی روش‌های «کمتر تهاجمی» درمان ستون فقرات با بیان مطلب خاطر نشان کرد. اصولاً روش‌های کلاسیک جراحی ستون فقرات با تخریب بافت‌های سالم همراه هستند و به بیمار آسیب زیادی می‌زنند. اما در روش‌های «کمتر تهاجمی» درمان ستون فقرات با استفاده از روش‌های پیشرفته فناوری‌های روز، مقدار آسیب وارده به بیمار به حداقل می‌رسد. ملاحظه می‌کنید که پاراگراف دوم این خبر لاقط شش برابر پاراگراف لید حجم دارد. در ضمن، در این لید کلیشه‌ای و رایج به طور معمول هیچ‌یک از عناصر خبر روشن نشده است. در پاراگراف دوم هم تنها پاسخ عناصر چه کسی، چه و چگونه را می‌توان یافت (سایت خبرگزاری دانشجویان ایران - ۱۷ اردیبهشت ۸۴).

اکنون که در مورد ویژگی‌ها، کارکردها و زمینه‌های خبرهای کلامی نظر خود را عرض کردم، بهتر است بنویسم که چنین خبرهایی ممکن است چه آسیب‌هایی به روزنامه‌نگاری حرفه‌ای بزنند. باید روشن شود که هجوم و وفور خبرهای کلامی چگونه و از چه راه‌هایی آسیب‌رسان خواهد بود.

گسترش بگومگو: این که روزنامه یا رسانه‌ای نظرات متفاوت اصحاب یک حرفه یا اندیشه را، در برابر هم بگذارد، شیوه تازه‌ای نیست. در کشور ما نیز این شیوه آزمون خود را داده است. این شیوه اگر در حد مثلاً بگومگوهای عرصه ورزش باشد - چنان که در مطبوعات ورزشی رواج دارد - یا برخورد عقاید پیروان مکتب‌های هنری باشد - چنان که در مطبوعات سینمایی و هنری می‌شود سراغ کرد - دامنه قابل کنترلی دارد و خوانندگان را هم به پیگیری موضوع علاقه‌مند می‌کند. در عرصه سیاست (آن هم سیاست کلان) کشور، اما رواج این بگومگوها جنبه دیگری می‌یابد. کمترین آسیب در این زمینه غافل ماندن مطبوعات و مردم از رویدادهای اصلی و واقعی و سرگرم شدن با جدل‌های کلامی است.

چهره‌سازی: در پنج سال اخیر که خبرگزاری‌های کوچک - سایت‌های خبری - با محور قرار دادن خبرهای کلامی، فعالیت می‌کنند، در صفحه‌های روزنامه‌ها به کهکشانی از نام‌ها و عنوان‌های ناآشنا برمی‌خوریم. صاحبان این نام‌ها و عنوان‌ها، در واقع قهرمانان میدان سخن هستند. از آنجا که اغلب خبرهای کلامی تولید شده در این سایت‌ها، به صفحه‌های روزنامه‌ها منتقل می‌شود، جامعه روزنامه‌خوان، به جای آگاهی از حوادث، فقط از بگو مگوهای خبرسازان آگاه می‌شود. برای جامعه پرسش مهم این است: شهرت دادن به این خبرسازان که فقط حرف می‌زنند، بعدها آنان و مردم را به اشتباه نمی‌اندازد؟ مثلاً اگر این اشخاص کاندیدای نمایندگی مجلس شوند، ممکن است بسیاری به سابقه همان آشنایی ذهنی به آنان رأی دهند.

خستگی مخاطبان: تجربه دو شورای شهر تهران و اصفهان در نخستین دوره تشکیل این شوراها نمونه‌های در خور توجهی است. مثلاً در مورد شورای شهر تهران زمینه

خسته در انتخابات دوره دوم ترجیح دارند اصلاً رأی ندهند. در واقع در دوره اول، مخاطبان روزنامه‌ها بیش از آن که در مورد وظایف و چگونگی عملکرد نمایندگان شورای شهر چیزی بفهمند، از درگیری‌های لفظی مطلع می‌شدند.

خبر کلامی چرا؟

اهمیت دارد که چرایی رواج خبرهای نقلی بررسی شود. به هر حال این روی آوری گسترده نسبت به گفته‌های خبرسازان نباید بدون دلیل و زمینه باشد. بررسی‌های سه سال اخیر نگارنده و پرس و جو از دست‌اندرکاران روزنامه‌ها برخی دلایل مهم این روی آوری را به دست داده است که برمی‌شمارم:

ناامنی‌ها: تولید خبر از رویدادهای واقعی همواره با واکنش‌های شدید خبرسازان همراه می‌شود. من این تعریف مشترک «لرد نورد کلیف»^۳ و «ویلیام رندلف هرست»^۴ از خبر را بسیار می‌پسندم که:

خبر، چیزی است که کسی در جایی سعی در پنهان کردن آن دارد؛ آنچه می‌ماند آگهی است.

در این تعریف، خبر پیامی است که انتشار و افشای آن، ناچار به زیان کسی (حقیقی یا حقوقی) تمام خواهد شد. به علاوه محور اصلی این تعریف پنهان بودن نکته‌ها و محورهای خبر از سویی و لزوم کشف و رمزگشایی آن به دست خبرنگار از سوی دیگر است. جمله تکمیلی این تعریف به‌طور قاطع، هر چه بیرون از این قاعده باشد را آگهی (بازرگانی یا پروپاگاندا) معرفی می‌کند. اگر اعتباری برای این تعریف در نظر بگیریم، خبرهای نقلی را یکسره باید بی اعتبار بشماریم.

از این دیدگاه، خبرگیری و خبررسانی در جامعه‌ای که خبرسازان چندان تحمل «زیان» کشیدن ندارند، پی آمدهای ناگواری برای روزنامه‌نگار و روزنامه در بردارد. به‌خصوص در جامعه‌ای که همه کارکردهای احزاب سیاسی و سازمان‌های فعال اجتماعی بر عهده مطبوعات گذاشته شده است.

هزینه‌ها: باز، اگر تعریف «نورد کلیف - هرست» را معتبر بدانیم، هر روزنامه - مثل

تواند دو تا سه خبر - با ویژگی های یک خبر خواندنی - تولید کند.

در کشور ما هنوز زمینه برای تدارک چنین تحریریه هایی مهیا نیست. صرف نظر از دست بالا پنج روزنامه که توان به کارگیری گروه خبری بیش از ۳۰ نفر - آن هم برای حجم ۳۶ تا ۴۸ صفحه در روز - را دارند، سازمان تحریریه روزنامه ها، به طور معمول با کمتر از ۲۵ نفر شکل می گیرد. در بسیاری از روزنامه ها سهم هر عضو تحریریه از روزنامه به حدود یک نفر در ازای یک صفحه می رسد.

تازه این همه مشکل نیست. ناشران و مالکان روزنامه ها اغلب برای تحریریه ها سقف بودجه ای در نظر می گیرند (مثلاً ۴ میلیون تومان در ماه). این مبلغ باید میان سردبیر، کادر سردبیری، دبیران و خبرنگاران توزیع شود. نتیجه این که در چنین تحریریه ای امکان به کارگیری خبرنگاران زبده و آموزش دیده وجود ندارد تا از آن تحریریه بتوان انتظار کار حرفه ای داشت. به همین سبب کارکنان تحریریه به خبرهای آماده - ناچار از منابع خبری آماده - روی می کنند تا صفحه ها را بتوان برای چاپ هر روزی آماده کرد.

منابع خبر: خبرگزاری های کوچک و پر تعداد به جای خبرنگاران تحریریه، کار تدارک خبر - همان شبه خبرهای کلامی - را برعهده دارند. در این نکته باید تأمل کرد. اول این که انبوه خبرهای این منابع را کسانی تولید می کنند که خود تسلط و کارایی بیشتری (نسبت به خبرنگاران روزنامه ها) در کار حرفه ای خبری ندارند. دوم این که به دلایل مختلف در این سایت های خبری کمتر خبر غیرنقلی تولید می شود. رسم و رویه کار در این خبرگزاری های کوچک توجه به تعداد خبرهای تولیدی است؛ نه کیفیت این خبرها. هر عضو تحریریه، هر روز باید ۳ تا ۵ قطعه خبر تولید کند. بنابراین راهی غیر از گرفتن شماره خبرنگاران و تدارک خبرهای تلفنی نیست. همین خبرهای تلفنی، اغلب درست به همان صورت که از سایت ها دریافت می شود، به صفحه های روزنامه ها - با تحریریه های کم تعداد - انتقال می یابد.

بنابراین از یک سو ناشران با ایجاد تحریریه هایی با تعداد کم و کارایی حرفه ای نازل، کارکنان را به سوی خبرهای کلامی سایت ها می رانند و از سوی دیگر از آن سایت ها در لااقل ۸۰ درصد از موارد، چیزی غیر از خبرهای کلامی دریافت نمی شود.

به طور معمول بر کمیت خبرها بیش از کیفیت آنها توجه می شود.

محدودیت خبرگیری: یک عامل بزرگ و مهم بازدارنده در محیط های روزنامه نگاری مابسته بودن منافذ و درهایی است که باید از آنها اطلاعات و خبر تدارک کرد. مسؤولان بخش های دولتی و خصوصی، خود را موظف به پاسخگویی به خبرنگاران - و در نتیجه به افکار عمومی - نمی دانند. آن نظارت رسانه ها بر عملکرد دستگاه های مختلف که نظریه پردازان علوم سیاسی و اجتماعی آن را لازمه رسیدن به جامعه مرم سالار می دانند وقتی تحقق می یابد که مسؤولان ملزم به پاسخگویی و رسانه ها حق پرسش داشته باشند. قانون مطبوعات و دیگر قوانین جامعه ما برای روزنامه نگاران چنین حقی و برای مسؤولان اجرایی چنان مسؤولیتی را پیش بینی نکرده اند. مدیران چه ارشد باشند، چه میانی و چه پایین دست، اطلاعات مربوط به حوزه عملیاتی خود را چون ناموس در معرض خطر، پوشیده نگاه می دارند. آنان تنها آن بخش از اطلاعات حوزه مسؤولیت خود را بروز می دهند که خود صلاح می دانند، که لابد نشانگر عملکرد مثبت است و... که پرسش حتمی و فوری خبرنگاران و مردم نیست.

این شیوه نگاهبانی همه جانبه از اطلاعات چنان به شیوه و رویه همیشگی و ثابت مبدل شده است که اگر خبرنگاری - به هر انگیزه ای و با هر وسیله ای - اطلاعاتی به دست آورد و منتشر کند، باید در انتظار عواقب و مجازات بماند.

موضوع انتشار رقم عیدی و پاداش نمایندگان مجلس در اواخر سال ۸۳ نمونه جالبی است. گناه خبرنگار انتشار رقم یاد شده بود و مجازات او محروم ماندن از حضور در حوزه خبری خود. انتشار خبر چنین برخوردی لابد باید زنگ خطری برای همه خبرنگاران باشد.

خبرنگاران ناآزموده: حرفه خبرگیری و خبرنگاری، مهارتی پیچیده است که هر کسی توان وارد شدن در آن را ندارد. این که فعالان سندیکای عرصه روزنامه نگاری در دنیا، اصرار دارند دوره خدمت اهالی این حرفه ۲۰ سال به جای ۳۰ سال در نظر گرفته شود و این که می کوشند تا روزنامه نگاری در فهرست مشاغل سخت و زیان آور جای گیرد، به همین ملاحظه است. کار روزنامه نگاری، حرفه ای فرساینده، خطرناک و کاهنده جسم و روح به

سپس پای رایانه بنشیند و از سایت‌ها خبرهایی برگزیند، اندکی در آن تغییر دهد (یا ندهد) و به صفحه بند بسپارد، کار سخت و زیان‌آوری کرده است؟ آیا اگر عضو تحریریه، به اشخاصی آشنا - و لابد اهل نظر - تلفن کند، از او پرسش‌هایی کلی پرسد، گفت‌وگو را ضبط کند و حاصل گفت‌وگو را در سلسله‌ای طولانی، تکراری، کلیشه‌وار و بدون جاذبه (از وی گفت، وی افزود، وی همچنین در مورد [...] اظهار داشت، وی تأکید کرد، وی همچنین اضافه کرد و...) از جمله‌ها شکل دهد، کار خطرناکی کرده است؟

چنان‌که آمد، افزایش عددی مطبوعات از یک سو و صرفه‌جویی ناشران از جانب دیگر تحریریه‌ها را از همکاران تجربه دیده و تحصیل مرتبط به پایان برده، رفته رفته تهی می‌کند. آنان هم که اندکی تجربه و کمی پیشینه حرفه‌ای دارند با همان توشه اندک حرفه‌ای در محیط‌های تحریریه، مسؤولیت‌های اجرایی بالا می‌گیرند و ناچار همان آموخته‌های اندک - و اغلب نادرست - خود را از روزنامه‌نگاری اشاعه می‌دهند و از زیردستان خود می‌خواهند.

بسیار اتفاق افتاده است که خبرنگاری که در این رشته دوره‌ای را گذرانده یا این حرفه را از صاحب علم و تجربه‌ای آموخته است، وقتی آن آموزه‌ها را در کارهای خبری به کار می‌گیرد، با مقاومت و حتی ریشخند مسؤول بالا دست خود روبه‌رو می‌شود. خبرنگار چون می‌خواهد شغل خود را حفظ کند، در این موارد، ناچار خود را با خواسته‌های غیرحرفه‌ای مسؤول بالا دست، مطابقت می‌دهد و...

شاید این مبحث بسیار کلی باشد و با مسیر بحث خبرهای کلامی تطبیق نکند، اما سوژه‌یابی، گزینش، پردازش، پیگیری و نگارش خبر به هر روی کار خبرنگارانی است که راه فرارها، گریزگاه‌ها، ترفندها، روش‌ها و عناصر محوری و پیرامونی خبرها و تحول‌ها را بشناسند؛ در غیر این صورت چاره‌ای غیر از خبرگیری از سایت‌ها نمی‌ماند.

گرایش‌های متفاوت: خبرهای کلامی کشف یا ابتکار سایت‌های خبری تازه تأسیس نیست. اما چنان‌که آمد این خبرها، در این سایت‌ها بیشتر یافت می‌شود. حتی می‌توان ادعا کرد که ساختار حرفه‌ای تحریریه‌ها در این خبرگزاری‌ها بر تهیه و تولید این خبرها شکل گرفته است.

در برابر خدمات خبررسانی سایت‌ها هیچ حق اشتراکی نمی‌پردازند. همین توضیح کافی است تا بپذیریم این سایت‌ها نه به درآمد مالی که به هدف‌های دیگری، معمولاً سیاسی - نظر دارند. این پدیده هم با هیچ معیاری عجیب نیست. مشکل وقتی چهره می‌کند که کارکنان تحریریه‌ها بدون توجه به این گرایش‌ها، خبرهای آن سایت‌ها را - اغلب کلامی - به صفحه‌های روزنامه منتقل کند. □

پی‌نوئیس‌ها:

1. Say Stories
2. Pseuo- Events (News)
3. Randall, David, Universal Journalist, Platto Press, London, 1996

- این کتاب را نگاهنده، زیر عنوان «روزنامه‌نگاری حرفه‌ای»، ترجمه کردم و انتشارات ایران آن را در سال ۱۹۹۶ منتشر کرد.
۴. در پی‌نوئیس صفحه ۶۸ همین کتاب، نگاهنده تعریف خبر را از منابع مختلف آمده است.
۵. در بحث تعریف خبر در کتاب روزنامه‌نگاری استاد دکتر معتمدنژاد (با همکاری دکتر منصفی)، پس از نقل برخی نظرها خبر چنین تعریف شده: «خبر اعلام و بیان وقایع جالب زندگی اجتماعی و نقل عقاید و افکار عمومی است». در این تعریف خبر نقلی به رسمیت شناخته شده است.
۶. منبع پیش گفته، روزنامه‌نگاری حرفه‌ای...
۷. انتخاب روزنامه ایران هرگز به این معنا نباید تلقی شود که نسبت به این روزنامه، قصد ما خرده‌گیری است. روزنامه ایران از جمله روزنامه‌های بسامان، خبر محور و متین کشور است. بلکه این گزینش تنها به دلیل خبیری بودن روزنامه و مطلوب بودن آن باید تلقی شود.
۸. در سه صفحه یاد شده در جمع ۲۸ خبر کار شده است.
۹. روزنامه ایران، خبر را از منبع خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) گرفته است. نه منبع و نه روزنامه هیچ اشاره‌ای به پیشینه این واکنش و سخنان رئیس‌جمهوری و سپس شهردار تهران نکرده‌اند.
۱۰. در این خبر اول پاسخ و سپس پیشینه آن نوشته شده است.
۱۱. در مطبوعات فکاهی یا ستون‌های فکاهی روزنامه‌ها برخی از خبرنگاران، این وعده‌ها را بیرون می‌کشند تا مسئولان و مردم را از وعده‌های عمل نشده آگاه کنند.
۱۲. علی‌رغم پیام لید، در متن خبر توضیحی در مورد برنامه‌های ستاد دیده نمی‌شود.
۱۳. آنچه به هیأت دولت می‌رود لابد لایحه تمدید یا تجدید آیین‌نامه مشاغل سخت و زیان‌آور است.
14. Deffeur, Melvin L, Understanding Mass Communcation, Houghton Mifflin, New York, 1998
۱۵. این خبر، در دسته خبرهای قابل تجسم جای می‌گیرد که حتماً باید با عکس همراه باشد. در روزنامه ایران این خبر، عکس ندارد.
۱۶. به تعریف لرد نورکلیف و ویلیام رندلف هرست در همین مقاله بحث «خبرهای کلامی» چراغ مراجعه کنید.
۱۷. باید پذیرفت که همه خبرهای روزنامه در صفحه یاد شده، جناب نمی‌شود. اما در صفحه‌های خبری دیگر هم چندان خبر واقعی نمی‌توان سراغ کرد. مثلاً در صفحه حوادث همین روز روزنامه ایران تنها دو خبر تازه غیر کلامی وجود دارد: مرگ دو دانشجوی دانشگاه آزاد در جاده قزوین و مرگ کودک ۱۲ ساله در حفرة آسانسور در کازرون. بقیه خبرها یا کهنه هستند یا خبر رویدادی نیستند.
۱۸. Lord Nordcliffe روزنامه‌نگار، روزنامه‌دار و مدرس روزنامه‌نگاری در انگلستان.
۱۹. William Randolph Hearst روزنامه‌دار ماجراجو و معروف آمریکایی در اواخر قرن نوزدهم و دهه‌های نخستین قرن بیستم، شخصیت ماجراجویی داشت که این شخصیت را وارد روزنامه‌های خود کرد. اورسن ولز شخصیت آقای کین را در فیلم «همشهری کین» از روی هرست بازسازی کرد.



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی